

خبر

پول‌های کنیف در سینما از نگاه یک تهیه‌کننده

منوچهر محمدی: فروش «مارمولک»

می‌توانست دست‌نیافتنی شود



بخش فرهنگی – به گفته منوچهر محمدی در حال حاضر سرمایه‌گذاری در سینما ریسک بالایی دارد و سرمایه‌های ورودی به قصد تفتن یا پولشویی به این حوزه وارد می‌شوند.

به گزارش خبرآنلاین، منوچهر محمدی، تهیه‌کننده باسابقه سینمای ایران، چهارشنبه ۱۵ دی هم‌مان برنامه «چشم شب روشن» بود. محمدی در این برنامه درباره نقش تهیه‌کننده در سینما گفت: «بر خلاف نظر عمومی تهیه‌کننده فقط عهده دار بخش اقتصادی فیلم نیست که صرفاً پولی را برای تهیه فیلم فراهم کرده و سعی می‌کند آن را با خست هزینه کند. او کسی نیست که برآوردها را کمتر از میزان انجام دهد البته بعضاً این خصوصیت در بین مسئولان و فضای عمومی سینما یک امتیاز تلقی می‌شود. اما برای من به عنوان یک تهیه‌کننده سینما از یک دغدغه شروع می‌شود. بخش عمده تهیه‌کنندگی برای من فرهنگی است.»

موتور ۶۰۰ هزار تومانی سند دارد اما فیلم ۳۰۰ میلیونی سند ندارد

تهیه‌کننده «ارتفاع پست» در پاسخ به سوال نبوی در رابطه با عوامل بازدارنده ایجاد کمپانی‌های بزرگ فیلمسازی در ایران گفت: «امنیت سرمایه‌گذاری در حوزه سینما پایین است. تا قبل از رفتن من به اداره نظارت و ارزشیابی، پروانه نمایش صاحب فیلم را معرفی می‌کرد. در سال ۷۶ بنده متوجه این‌نقص جدی شدم و در سمت مدیر کل ارشاد با بخش حقوقی بحثی را شروع کردم که چطور ممکن است یک موتورسیکلت ۶۰۰هزار تومانی سند مالکیت دارد ولی یک فیلم ۳۰۰میلیونی سند ندارد؟»

وی اضافه کرد: «تهیه سند مالکیت فیلم و حقوق مالکانه و قانون کپی رایت به خاطر مخالفت قوه قضاییه و و بدنه بوروکراتیک ارشاد قابل اجرا نشد و بنده زورم نرسید.»

محمدی ادامه داد: «من در سال ۷۶ به اندازه فهم و درایت و قدرت اجرایی ام برای فیلم پروانه مالکیت درست کردم اما از آن سال تا به حال آن برگه کاغذ فرم و ظاهرش هیچ تغییری نکرده و از صدا و سیما تا بسیاری از نهاد ها و حتی قوه قضاییه ملاکشان همان برگه‌ای است که ما به آن رسیدیم.»

سرمایه‌های بیرونی به نیت تفتن یا پولشویی وارد سینما می‌شوند

محمدی به سوال نبوی در مورد علت ایجاد نشدن کمپانی‌های بزرگ فیلمسازی در کشور این‌گونه پاسخ داد: «اصل ماجرا به بیرون این مجموعه بر می‌گردد. من به وزیر ارشاد عنوان کردم که سینما را از حوزه خدمات خارج کرده و در حوزه صنعت تعریف کند تا قوانینی مربوط به صنعت بر آن مترتب شده و قابل وام گرفتن و سرمایه‌گذاری شود. در حال حاضر در حوزه ممیزی برخوردها سلیقه‌ای است و سرمایه‌گذاری ریسک بالایی دارد و آن سرمایه‌های ورودی هم یا به نیت تفتن و یا پولشویی وارد سینما می‌شوند.»

تهیه‌کننده «گربه آوازه خوان» گفت: «اگر فروش «مارمولک» ادامه می‌یافت میزان فروشش دست نیافتنی می‌شد و فیلم «زیر نور ماه» بازده صد در صدی داشت. سرمایه‌گذاری در سینما سود ۶۰ درصدی دارد.»

او ادامه داد: «من حاضرم برای هر یک از ۱۰ فیلمی که یک کمپانی در سال می‌سازد ۱۰ درصد شریک باشم تا اینکه صاحب ۱۰۰درصدی فیلم خودم باشم. چون ریسک کمتر و برگشت سرمایه مطمئن تری دارد و قادر خواهیم بود بعد از ساخت یک فیلم بلافاصله فیلم دیگری را شروع کنیم نه اینکه سالی به زحمت دو فیلم بسازم.»

{فرهنگ و هنر}

اسکار برترین بازیگر زن امسال به چه کسی می‌رسد؟

یک مجسمه طلایی و بیش از ۱۰ مدعی

هنری نیویورک از ۱۹۷۷ وارد جرگه سینما شد، تاکنون ۱۹ بار نامزد اسکار و ۳ بار برنده آن شده و مورد اول یعنی ۱۹ مرتبه کاندیدایی، یک رکورد در این زمینه است که تا به حال توسط هیچ بازیگر دیگری تکرار نشده است.

به واقع رکورد دوم در این زمینه با ۱۲ نامزدی به طور مشترک در اختیار جک نیکلسون و کاترین هپبورن است. فیلمی که مریل استریپ و یاوران او را امیدوار کرده که یکبار دیگر نام او را به جمع مدعیان اسکار پیوند بزند، کاری ابتکاری و جالب به نام «فلورانس فاستر جنکینز» است که در آن استریپ رل زنی حقیقی با همین نام را بازی می‌کند که در اپرا فعالیت می‌کرد و آن قدر بد و ناموزن می‌خواند که خیلی‌ها وی را بدترین خواننده زن اپرای تاریخ می‌نامند. استریپ چون در عین درخشش اش در کارهای دراماتیک در رل های موزیکال هم درخشیده و در آوازه خوانی هم ماهر است، بیشترین تلاش خود را در زمان تهیه «فلورانس فاستر جنکینز» به کار بست تا به بدترین شکل ممکن آواز بخواند و آواهای اپرایی اش را به سمت و سویی سوق بدهد که لقب بدترین سزاوار او باشد و واقعا ضعیف ترین به نظر برسد که در تضاد با ماهیت واقعی او به عنوان بهترین است.

👇👇👇

نگاه آدامز به جایی بالاتر از بولاک

ایمی آدامز امیدوار است به خاطر بازی قوی اش در «رسیدن» که یک فیلم فضایی تازه اکران شده در سطح جهان است. افتخار نامزدی جایزه اسکار را بدست بیاورد و اگر چنین شود، او از دستاورد ساندرآ بولاک که حدود ۱۲ سال از او مسن تر است، فراتر خواهد رفت. بولاک پیشینه فتح اسکار را در دهه ۲۰۰۰ دارد اما در سال ۲۰۱۳ که «جاذبه» فیلم فضایی تحسین شده آلفونسو کارارون اسکار برترین فیلم و کارگردانی را برد، او که بازیگر نقش اول این فیلم «بسیار کم بازیگر» بود، سهمی از این جوایز نبرد.

👇👇👇

سر برآوردن مجدد بنینگ

برای آنت بنینگ کاندیدا شدن احتمالی بابت فیلم «زنان قرن بیستم» یک موفقیت ناب و پایان بخش دوری طولانی مدت وی از دوران اوجش و عامل بازگرداندن او به بام حرفه اش پس از گذر از سن ۶۰ سال خواهد بود. وی که از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ با فیلم هایی مثل «باگزی» معروف شد و در «ماجرای عاشقانه» هم مثل «باگزی» کنار همسرش در زندگی حقیقی یعنی وارن بیتی سرشناس ایفای نقش کرد، در سال ۱۹۹۹ با بازی در «زببای آمریکایی» یکبار دیگر مطرح شد اما این فیلمی بود که در سیطره کوین اسپسی قرار داشت و از آن پس بنینگ عادت کرده بود که یا اصولاً کاری نکنند و یا فیلم های کم شمارش به جایی نرسند و چیزی را نصیب وی نسانند. حالا «زنان قرن بیستم» با سوزه اجتماعی و عاطفی با پس زمینه های اندک سیاسی اش می‌تواند آن شرایط را عوض و مسایل دیگری را برای آنت بنینگ فراهم کند.

👇👇👇

رودررو با زمین بازان

سونیا براگا یک هنرپیشه پر سابقه برزیلی است و هرگز به طور اساسی جذب هالیوود نشده و «اکواریوس» هم که او را در صف نامزدهای احتمالی اسکار امسال قرار داده، فیلمی کاملاً برزیلی و پیرامون مسایل کشور زادگاه وی و متمرکز بر زنی است که برخی وابستگیاش برای در آوردن خانه وی از تملک اش، نقشه‌ها می‌کشند و او در راه مبارزه با این تلاش‌ها تنها است و باید فکری به حال خودش کند و در منطقه‌ای که سال‌ها در آن زیسته و خانه محل اقامتش ملک پدر و مادری به حساب می‌آید و سال‌ها جزء املاک خاندان او بوده، ماندگار شود و با زمین بازان مکاری طرف شود که برای تملک خاک‌های مورد نظرشان و برج‌سازی و انجام نقشه‌ها و طرح‌های مختلف املاک و مستغلات شان دست به هر کاری می‌زنند.

👇👇👇

سیاست‌های ویولا دیویس

یک رقیب بزرگ برای گروه بازیگرانی که نام شان آمد، می‌توانست و هنوز هم می‌تواند ویولا دیویس باشد. وی همان بازیگر سیاهپوست و توانایی است که در سال ۲۰۰۸ برای فیلم «شک» کاندیدای اسکار نقش دوم زن نامزد اسکار ۲۰۱۲ برای فیلم «خدمتکار» (یا «کمک») نامزد اسکار نقش اول زن شد و هیچیک را نبرد و امسال در «حصارها» که ورسپون سینمایی تازه‌ای از روی نمایش معروف و کلاسیک سال ۱۹۸۷ آگوست ویلسون با همین نام است، درخشش تازه‌ای روبروی دنزل واشینگتن داشته است.

با این حال گفته می‌شود هم خود دیویس و هم پارامونت که کمپانی تهیه‌کننده فیلم «Fences» است، به این نتیجه رسیده‌اند که نام وی به عنوان متقاضی اسکار نقش دوم زن به آکادمی اسکار ارائه شود و اگر سران این نهاد صلاح دیدند، نام وی را جزء ۵ نامزد این جایزه بیاورند. دلیل این امر این است که دیویس و کمپانی سازنده فیلم بر این باورند که به دلیل حضور مدعیان قدرتمند فوق دیویس عملاً شانس زیادی برای تصاحب اسکار نقش اول ندارد و بهتر است او بختش را در شاخه‌ای دیگر که در آن اقبال بیشتری داشته باشد، بیازماید.

👇👇👇

فرقی نمی‌کند

این رویداد احتمالی و انتقال محتمل شاید به نفع دیویس تمام شود اما هیچ تغییری در شرایط نامزدهای اسکار نقش نخست زن ایجاد نمی‌کند و از فشرده‌گی رقابت مورد بحث نمی‌کاهد و یک مجسمه از جمع ۲۴ اسکار طلایی رنگ ۲۰۱۶ را در معرض تهاجم و در کورس رقابت بیش از ۱۰ مدعی پایاپای قرار می‌دهد. رقابتی که حاصل آن می‌تواند هر زخداد احتملی باشد و برای هر یک از نامبردگان پیام پیروزی را به ارمغان بیاورد.

شنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۹۵

خبر

فرهادی از دختر «آرتور میلر» جایزه گرفت

بخش فرهنگی– دختر «آرتور میلر»، نویسنده معروف آمریکایی جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان انجمن ملی نقد آمریکا را به اصغر فرهادی اهدا کرد.

به گزارش ایسنا، در مراسم اعطای جوایز سالانه انجمن ملی نقد آمریکا که چهارشنبه‌شب (۱۶ دی) با حضور چهره‌های سرشناس سینمایی در نیویورک برگزار شد، اصغر فرهادی جایزه بهترین فیلم خارجی زبان سال را از داستان «ربکا میلر»، دختر «آرتور میلر»، نویسنده نمایشنامه «مرگ فروشنده» دریافت کرد.

«میلر» هنگام اهدای جایزه به فرهادی درباره او گفت: «اصغر فرهادی در فیلم‌هایش کاری می‌کند که لحظه‌های ظاهرا روزمره با تعلیق بسیار ارائه شوند. من واقعا فکر می‌کنم که او نه تنها استاد واقعی تعلیق است، بلکه استاد برانگیختن احساس هم‌دلی در مخاطب نیز هست. نمایشنامه «مرگ فروشنده» پس‌زمینه‌ای‌ست در این فیلم. این نمایشنامه درباره مردی‌ست که جامعه‌اش تغییر می‌کند و درباره فشاری‌ست که جامعه وارد می‌کند تا این مرد را تغییر دهد. «فروشنده» نیز فیلمی‌ست که شما به راستی تاثیر جامعه بر کاراکتر انسان‌ها را می‌بینید و همچون نمایشنامه، اینکه چگونه آدم‌ها توسط زمانه‌شان بلعیده می‌شوند. من فکر می‌کنم که ما تعداد زیادی فیلم نداریم که ما را وادار به دوباره فکر کردن در مقیاس بزرگتری درباره شخصیت‌ها و انسان‌ها کند. من این کیفیت را در کارهای فرهادی بسیار ستایش می‌کنم و بسیار مفتخر هستم که این جایزه را به وی تقدیم می‌کنم.»

اصغر فرهادی پس از دریافت جایزه خود از ربکا میلر گفت: «این افتخار بزرگی‌ست که برای سومین بار از انجمن ملی نقد آمریکا جایزه دریافت می‌کنم. وقتی طرح این فیلمنامه را می‌نوشتم و متوجه شدم که شخصیت‌های اصلی این فیلم بازیگر تئاتر هستند، از خودم پرسیدم که آن‌ها مشغول بازی در کدام نمایشنامه هستند؟ شروع به خواندن تعداد بسیاری از نمایشنامه‌ها کردم؛ ایرانی و غیر ایرانی و یک روز به «مرگ فروشنده» آرتور میلر رسیدم که نمایشنامه محبوبی در کشور من است و قبلاً آن را خوانده بودم. این شبیه یک هدیه برای من از آرتور میلر بود. نقاط اشتراک بسیاری بین داستان من و نمایشنامه مرگ یک فروشنده وجود داشت. بنابراین احترام خودم را به آرتور میلر ابراز می‌کنم و از ربکا سپاسگزارم.»
انجمن ملی نقد آمریکا، یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های سینمایی مستقل آمریکاست که در سال ۱۹۰۹ یعنی ۱۳ سال پس از تولد سینما شکل گرفت. این تشکل سینمایی هر سال پیش از مراسم اسکار، پس از رای‌گیری از تعداد زیادی از فیلمسازان، منتقدان، متخصصان و دانشجویان سینما، جوایز خود را به برگزیدگان بخش‌های مختلف اهدا می‌کند.

●●●●●

اعلام نامزدهای انجمن نویسندگان آمریکا حضور «لالاند» و «مهتاب» در فهرست

بخش فرهنگی – با اعلام اسامی نامزدهای شصت و نهمین دوره جوایز سالانه انجمن نویسندگان آمریکا، مدعیان رقابت در بخش فیلمنامه‌های اقتباسی و غیراقتباسی شناخته شدند. به گزارش مهر به نقل از اسکرین دیلی، شماری از مطرح‌ترین فیلم‌های سال از «لالا لند» گرفته تا «اگر سنگ از آسمان بیارد» و «ددپول» در میان نامزدهای این دوره از جوایز انجمن نویسندگان سینمایی آمریکا جای دارند. این جوایز در مراسمی که به میزبانی شاخه غرب و شرق این انجمن برگزار می‌شود در تاریخ ۱۹ فوریه برندگان خود را خواهد شناخت.

فهرست نامزدها در بخش‌های مختلف چنین است:

در بخش فیلمنامه اورجینال

«اگر سنگ هم بیارد» نوشته تیلور شریدان

«لا لالند» نوشته دمین شازل

«دوست داشتن» نوشته جف نیکولز

«منجستر کنار دریا» نوشته کنت لونرگان

«مهتاب» نوشته بری جنکینز بر مبنای داستان تارل مک‌کرینی

در بخش فیلمنامه اقتباسی

«ورود» نوشته اریک هایسرر

«ددپول» نوشته ریت رییس و پل ورنیک

«حصارها» نوشته آگوست ویلسون

«اشکال پنهان» نوشته آلینش شرودر و تئودور ملفی

«جانوران شبانه» نوشته تام فورد

در بخش بهترین فیلمنامه مستند

«نویسنده: داستان جی‌تی لروی» نوشته جف فورزیگ

«فرمان و کنترل» نوشته رابرت کنر و اریک شلوسر بر مبنای داستانی از برایان پرل و کیم رابرتز

«روزهای صفر» نوشته الکس گینی

در بخش سریال درام

نامزدها شامل «آمریکایی‌ها»، «بهتر است ساول بنامی»، «بازی تاج و تخت»، «چیزهای عجیب» و «وست ورلد» هستند.

در بخش سریال کمدی

نامزدها شامل «اتلانتا»، «سلیپیکون ولی»، «ترانسپارنت»، «کیمی اشمیت شکست ناپذیر» و «ویپ» هستند.

در بخش سریال جدید

نامزدها شامل «اتلانتا»، «چیزهای بهتر»، «چیزهای عجیب»، «این ما هستیم» و «وست ورلد» هستند.

در بخش فیلمنامه بلند تلویزیونی

نامزدها شامل «جرم آمریکایی»، «تاییدیه»، «هارلی و دیویدسون ها» و «کمپیتون بازمانده: دری، سو و میشله» هستند.

در بخش فیلمنامه بلند اقتباسی تلویزیونی

نامزدها شامل «۶۳.۱۱.۲۲»، «مردم در برابر اوجی سیمپسون»، «میدوف»، «آن شب» و «ریشه‌ها» هستند.